

## تجارت بین المللی

گندم در سال ۲۷ - ۱۹۳۶

موسسه بین المللی فلات درم اطلاعاتی بطور کلی راجع میزان محصول سال ۱۹۳۶-۳۷ بدست آورده که فعلا تکمیل گردیده اند. میزان فرستاده های گندم دنیا بالغ بر ۱۶۵ میلیون کتال بوده است و از سال ۳۳-۳۲ رقمی بدین مهمی دیده نشده. تقابل میزان تقاضا که از پیش از سال با نظریه پیوسته مشاهده میشد فعلا بهتر شده و این بهیچوجه از افزایش ۳۰ درصد که از یکسال پیش تا کنون در میزان تقاضا دیده شده معلوم نمیکرد.

میزان تجارت بین المللی گندم با وجود این از میزان سال ۱۹۲۹ خیلی کمتر است. در سال ۱۹۲۹ میزان مبادلات گندم در حدود ۲۲۰ میلیون کتال دور میزد.

اوقاتی که در زیر داده میشوند معلوم میدارد که یکسخت مهم از صادرات گندم بهفصد کشورهای اروپا ارمال شده است و در ظرف سال ۱۹۳۶-۳۷ کشورهای اروپا معادل ۱۱۹ میلیون کتال گندم خریداری نموده اند این مقدار از میزان خرید و سال قبل از این تاریخ خیلی بیشتر بوده است. کشورهای وارد کننده ۳۶-۳۵-۳۴-۳۵ (میلیون کتال)

|                   |      |      |      |
|-------------------|------|------|------|
| انگلستان          | ۵۴۳  | ۵۵۷  | ۵۳۹  |
| ایرلند            | ۴۶   | ۴۱   | ۳۵   |
| آلمان             | ۲۵۸  | ۵۰۱  | ۸۰۶  |
| بزرگ ولو گزامبورگ | ۱۰۰۸ | ۱۰۵۶ | ۱۰۵۷ |
| اسپانیا           | —    | —    | ۲۰۰  |
| فرانسه            | ۴۸   | ۲۰۲  | ۲۰۲  |
| ایتالیا           | ۳۰۳  | ۱۰۶  | ۱۵۸  |
| هلند              | ۵۰۳  | ۵۰۹  | ۵۰۷  |
| سوئیس             | ۵۰۲  | ۴۰۶  | ۴۰۸  |
| چکسلواکی          | ۵۰۴  | ۵۰۶  | ۲۵۵  |

از یاد مخفی اروپا در سال ۱۹۳۶-۳۷ فقط مربوط به کشورهای واقع در خود خانه اروپا بوده است بواسطه اینکه میزان رستیده های انگلستان ایرلند قدری تقلیل یافته. کشورهای مذکور سی نبوده اند که میزان محصول داخلی را حتی المقدور بالا ببرند و میزان مصرف را هم تقلیل دهند. (مجله هفتگی بانک بروکسل)

## مجلس ترجمین

بظرفوت جوان ناکام حسن حائری داشجوی دا نشرای عالی فرزند آقای هادی حائری مجلس ترجمین آن مرحوم شب جمعه ۵ آذر (اشتب) در مسجد محمودیه از ساعت ۹ بعد از ظهر تا ساعت ۹ منتقد خواهد بود و مجلس تذکر دیگری در منزل آقای حاج شیخ عبدالله حائری واقع در خیابان ماشینی در همان ساعت منتقد است.

بسموم خانواده حائری تسلیت می دهیم  
شماره ۵۰۳۲ کمی

## مجلس ترجمین

ظرفوت ناگهانی خلیل شبیانی رادر این جایان و پدر ستوان یکم کاظم و ناصر شبیانی مجلس تذکر در روز پنجشنبه چهارم (اروز) از سه تا پنج بعد از ظهر در مسجد محمودیه واقع در خیابان برق خواهد بود.

حمید شبیانی - محمود شبیانی  
شماره ۵۰۰۵ کمی

## آگهی راجع بتلفن خود کار

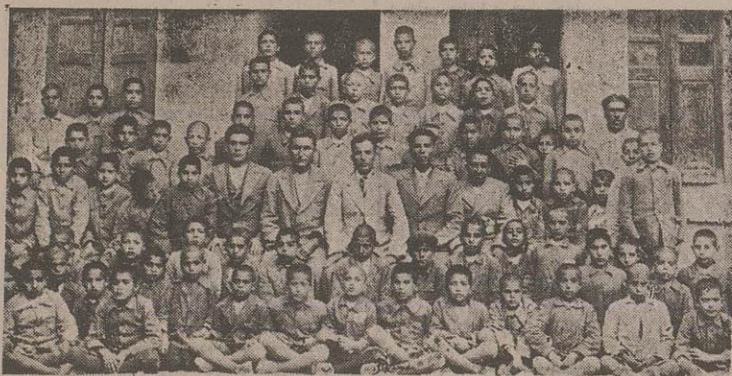
شماره های ذیل در روز چهارشنبه سوم آذر ۱۳۱۶ دائر گردیده است

|      |      |      |      |      |      |      |
|------|------|------|------|------|------|------|
| ۷۰۳۹ | ۷۴۲۰ | ۷۴۶۰ | ۷۹۰۱ | ۸۱۶۸ | ۸۸۸۴ | ۹۴۰۸ |
| ۷۱۳۱ | ۷۴۲۷ | ۷۶۸۵ | ۷۹۲۵ | ۸۲۲۱ | ۸۹۲۸ | ۹۵۴۵ |
| ۷۲۱۵ | ۷۴۴۶ | ۷۸۵۲ | ۸۱۱۴ | ۸۴۲۵ | ۹۱۸۲ | ۹۵۵۵ |

از آقایان مشترکین شماره های جدید خواهشمند است در عرض دو روز برای تصدیق

بشرکت سهامی کل تلفن ایران

شماره آگهی ۵۰۳۱



بنسبست تاسیس کلاس ششم و تیزهنگ کوهی آکابر در دبستان هوشی آکابر  
کاشان اخیرا جغتی منتقد گردیده است

عکس بالا در روز جشن نامبرده از نو آموزان آندبستان بر داشته شده رئیس معارف  
کاشان و آموزکاران دبستان نیز در وسط دیده می شوند

## لیبرال انگلیسی

فرایچه اسرینیک نامیده میشود

نام لیبرال انگلیسی «استرلینگ» از لفظ «سا کسونی» فدیوی ولی مجهول گرفته شده است اصل این کلمه در الفاظ سا کسونی معلوم نیست. از کجاست همین قدر معلوم است که در قرن پانزدهم این لفظ را براهالی و فلامانک و اطلاق می نمودند و مقصود آنها شرقی بودن اهالی فلامانک بود باین معنی که استدان فلامانک که فلامانکها در آن سا کن بودند در شرق فرانسه و انگلستان واقع می باشد.

فلامانک در آن تاریخ سرزمین زوخیز و ترومنندی بود و نسبت بسیار کشورهای اروپا در آن عصر بهتر و منظم تر بود و فلامانکها تنها مردمی بودند که پول درست و بخل و غش سکه میزدند و و اشخاصی را که پول قلب سکه میزدند سختی مجازات میکردند.

در آن تاریخ پول فلفوش در انگلستان بسیار رایج بود بجایه ق امتیاز سگزدن را از پادشاه میسر میدادند و دربار زیاد و غل و غش آن بر همدیگر پیش میبردند و اینک نفوس سگزدانی که از فلامانک وارد میگردند از دیگر پولها جدا بود مردان خریدند و دورا بدین در آنصر توجه خاصی در شرایط قراردادهای فروشی داشته و فید میگردند که پرداخت بایستی بوسیله پول «استرلینگ» صورت بگیرد.

پول انگلیس مدت سفر تمام حتی در دوره های مشکلات مالی پول برادر و جهانی بود و بانک انگلستان که در سال ۱۶۹۴ تاسیس گردید هیچگاه اجباری پیدا نکرد که برای ارزش وارج پول انگلیس اقدامات فوق العاده کند فقط در یک مورد آنهم سال ۱۷۹۷ بود هنگام جنگ انگلیس با جنگ استقلال امریکا بواسطه هزینه (مبارج) روزافزون چیت با کزیر شد که از پرداخت پول نقد در مقابل اوراق بهادار خودداری کند و در آن موقع مین پرستی انگلیس باطلی درجه مظاهر خود بمنصه ظهور رسید و چه چهر هزار نفر از بازرگانان و مردان مالی انگلیس در کوی مخصوص خود اجتماع نموده و تصمیم سوئند که از بایک مطالبه پولهای امانی و سپرده های غدی خود را نمایند و این تصمیم بهر پرستانه آنها بانک انگلیس از خطری که بدان دچار شده بود نجات یافت.

بنسبست تصادف امروز با شهادت حضرت امیر (ع) و تعطیل عمومی عصر امروز و صبح فردا روزنامه اطلاعات منتشر نمیشود

آیا در پیری وزن  
اعضای داخلی بدن کم میشود؟

بدون تردید هر قدر امید به آینده و عشق بهادران نوری و پایدار باشد این اندیشه او را راحت نسواهد گذاشت و طبیعت هر آنچه بوی داده است بتدریج باز می ساند! نمی خواهیم در چیز های بدیهی و واضح داخل شده مثلا بگوئیم قد و قامت راست خمیده چهره نورانی بی فروغ موی سیاه سفید دندانهای محکم و براق فرسوده و سائیده و از ریشه در آمده و فرو ریخته صورت صاف چون آئینه برچین چروک کوش شنوا سنگین قوه باصره و لاسه و شامه ضعیف بدن فربه و سیمین لاغر و نحیف میشود بلکه مقصود این است بیان کنیم آیا پیری در اعضاء داخلی بدن نیز موثر است و در طی سالیهای کهولت از وزن آنها کاسته میشود یا خیر؟

جمعی پزشکهای عالی مقام اروپا پس از معاینه ها و تجربه ها فهمیده اند که اعضاء داخلی بدن انسان از تاثیر سموم پیری ایمن نبوده و نقصان محسوس در وزن هر یک از آنها روی می دهد مثلا: کبد کهوزنش نزد جوانها بطور متوسط ۱۵۰۰ گرم است در پیر ها به ۹۰۰ حتی ۸۰۰ گرم کاهش می یابد!

مخ پا نیز که در پیر ها ۲۵۰ گرم وزن خود میگذارد پیری در جوانها ۱۹۶۵ گرم و نزد پیر ها ۹۹۰ گرم میشود! کلیه های جوان بدون تردید ۲۷۰ گرم وزن دارد و چون دوره پیری آغاز گردد وزن کلیه ها به ۱۰۰ گرم تقلیل می یابد! اما قلب این ضامن حیات و هستی بشر این عضو حساس و پرکار داخله بدن این مرکز خون گرم و جوانان انسان از تمام اعضاء داخلی بدن مستثنی است یعنی وزن او با ادامه سالیهای زندگی و وصول بدو به پیری هیچ نقصان نمی یابد همانطور که نزد جوانها و وزن ۱۰۰ گرم است در نزد پیر ها نیز وزن خود را محفوظ میدارد.

## حذک بامرض سل

اداره همداری و کوبیز که کجوه استان (ناهیه) نیو بزرگ است و روش تازه را برای نبرد بامرض سل در پیش گرفته ست و روش مزبور عبارتست از تسهیلاتی که برای عکس برداری از «ریتین» فراهم نموده و با دستگاه اشعه مجهول و دیون ایکس عکس برداری میکنند این طریق سهلترین و ارزاترین روشهای دیگر برای کشف وجود میکروب سل در «ریتین» میباشد چه به اشخاص مصور میکنند سلامت هستند در صورتی که حامل میکروب سل بوده و ندانسته میکروب مزور را همه جا پراکنده می سازند اداره همداری مد کوراین تربیب حوسته است بهترین و آسانترین وسیله معاینه را برای اشخاص فراهم کرده باشد و همین روش در مدارس نیز معمول شده که هرگاه میکروب سل در طحال باشد قلم و قلم کنند و نا گفته نباید که نفات مرض سل در کشورهای متحده امریکا فوق العاده زیاد است و در درام دو برابر بلدی است که بواسطه انوبیل و وسایل قلیه تندرو صورت میگیرد چنانکه در سال گذشته نفات و وسایل ملی بهر در کشورهای متحده امریکا ۳۹ هزار بود ولی نفات از مرض سل بالغ ۷۱ هزار مرده بود

جواب فلامه

## سقراط

سقراط حکیم مردی بود کم خوردن و و چاه های خشتن وزیر میوشید و روزی یکی از حکما نامه بدو نوشت که: «شا ترم و سفت را در باره هر چاندری واجب بشمارید خود که در شمار جاداران هستید چرا در خوردن و پوشاک بخویشتن شفت روا نمیدارید؟

سقراط در جوابش میخست:

«بپوشاک من خورده گرفته بودی انسان که میشود چیز رشت و باروانی را پسندیده و چیز زیبایی را ترک میکند و بر کم خوردن من خورده گیری کرد بودی من میخورم که زنده سام و شخا زدی کی را تنها برای خوردن میدارید»

خوردن برای ریستن و ذکر کردن است و معتقد که ریستن از هر خوردن است - (صدی)

این جواب که بدان حکیم رسید نامه دیگر سقراط نوشت که: «سبب کم خوردن را دانستم ولی بگوئید بدانم کم کونی شما چه علت دارد؟»

سقراط در جوابش نوشت:

«چیزی را که بختیار خویش ترک نموده و برای مردم بجا گذاشتم وابسته بتو بوده و کاری که وابستگی بتو ندارد پرستی از آن کاری بیهوده است»

غذا باسان دو گوش و یک زبان گرامت فرموده باد و بر این آنچه که میگوئی بشنوی و زیاده از آنچه که میشنوی سخن نگوئی و دادند دو گوش و یک زبان از آغاز

یعنی که دو بشنوی و یکی بپیش مگو (بابا افضل کاشانی)

## ز گهواره تا گور دانش بجوی

از مصر حیرت می دهند که مردی از دبیران دبیرستان ها که سالش پنجاه و هفت رسیده است در این سال موفق بگرفتن دانشنامه از دانشگاه علوم اقتصادی شده است.

این مرد خود دبیر است و صاحب ۷ فرزند میباشد و یکی از فرزند او در سال سوم دانشگاه طب و پسر دیگرش در سال دوم دانشگاه حقوق تحصیل میکنند و بدان ماند که در جریان تحصیل خود سالی از پسر اول خویش در یک مدرسه بالاتر بوده و تحصیل نمیکرده است.

اینها نمونه ایست از عشق بتحصیل و دانش جوئی که انسان در هر سن و سالی میتواند تحصیل کند و حتی با داشتن خانواده و هفت اولاد بازم میتواند ساعاتی از روز و شب خود را صرف آسب دانش و معرفت کند.

## ز گهواره تا گور دانش بجوی

الاهرام

رفیق خود را که دیر آمده یا نیامده سورت دهد شما باید فردا بیایید فردا که رفتید باید پس فردا بروید چه اوقات گرانبهائی که اهر طرف ضایع می شود با کمی دستی که داریم این قبیل غلظت را می توانیم و کار شکمی ما را عقب میاندازد اصافا همه باید سعی کنند اگر باین عادت خو نکرده اند هر چه زود تر یاد بگیرند و سر ترفی و کابیائی در همین است.

اگر بایکان (ضباط) اداره مرض شده و باند کی دیر کرده شما از باب رجوع را معطل نگذارید این اشخاص نیز مانند خودتان که از سردوانیدن بیزارید بدشان میاید.

فکر کنید یک جفت گمش دارید و پینه دوز گفته است امروز عصر بد شد عصر می روید بگوید ای ببخشید تمام مشقه فردا بیاید و چند اوقات تلخی می شود و شاید تا به اندازه در زند کی شما تاثیر داشته باشد.

در مراتب زند کی کار من و شما هم همانطور است کار مردم را باید راه انداخت و جواب را صریح و برنده و زود داد چنانچه شما از همین فردا وجدانا همین کار را بکنید و ناچاهائی که ممکن است کار هارا بوقلم سروصورت بدهید سائر افراد اجتماع نیز شما ناسی خواهند جست و کارها مرده اندامه میشود حسین حجازی

## فردا!

صبر انسان تمام میشود

مگر ممکن نیست فردا صبح که هوا روشن میشود دوباره آمده و زنجیری را که و جاک از شما پنهان کرده است پیدا کنید؟ حیر؟ امروز مقداری وقت دارم و باضاهه کاری را که امروز باید انجام بدهم چرا برای فردا بگذارم.

هنوز این مسأله یا گفتگوئی را که هفت سال پیش بادو طفل ۱۰ و ۱۲ ساله امریکائی داشته ام از یاد برده ام.

عصری بود در محوطه دانشگاه گردش می کردم و دو نفر از پسران استادان دانشگاه را دیدم مشغول کاوش هستند پرسیدم مگر چیزی کم کرده اید یا سخن دادند چیزی گم نکرده اید هاری زنجیر دوچرخه مرا باز کرده و در این حدود پنهان کرده است ما بی آن می گردیم گفتیم مگر نمیتوانید پیدا کنید حالا وقت تنگ است - آنکه زود تر بود جواب کف دلیل ندارد کاری را که امروز می توانیم بکنیم برای فردا بگذاریم باور بفرمایید از آن روز تا بحال هنوز از این اندیشه بیرون نیامده ام و بیکه یاد آن دو نفر طفل امریکائی میافتم.



خیال میکنید چند نفر از ما باین عادت خو کرده ایم تصور می کنید ما در زند کی خود باین قانون کلی توجه داریم؟ پاسخ من منفی است عقیده من این است که در هر مرتبه در غلبه تشکیلات ما باین اصل مراعات نمی شود کمتر کسی است که راضی شود کار امروز را همین امروز انجام داده و فردا کار فردا را بکند.

ای کاش ممکن می شد آن کسانی که هنوز باین نکته عادت نکرده اند خود را مادیب میدانند

اگر همه عادت کنند کار فردا را فردا انجام دهند و لی کار امروز را فردا ننگذارند خیلی از مشکلات زندگی ما حل خواهد شد تصور کنید که در فلان موسسه کار دارید و پیشنهادی داده اید یا پیشنهادی برای شما تهیه کرده اند همه کار ها از آن نام شده و فقط ثبت آن باقی مانده است بشما می گویند فردا بیایید هر چه داد زبید والله بالله - فردا کار دارم از اندازه نمی توانم اجاره بکهم وقت فردی من برای رسیدن کی کار دیگر منظور شده قطع دارم که هیچ سودی نخواهد داشت فردا بروید بازم حاضر بیست صرا انسان تمام می شود



وقتی بکعضر موسسه شما این گونه رفتار می کند و اصطلاح شمارا سر می داند و شما هم ناچار می شوید با دیگران همان کار را بکنید جبار و پنجر طاق شما را سر وقت انجام نمی دهد آه لو ب حروف نمی آید و ناهارشا حروف پیدا نمی شود لباس شما بوقت اتو نمی خورد فالان دوست را سر موقع نمی توانید ملاقات کنید بالاخره رشته کار های اجتماع که چون زنجیر ساعت بهم پیوسته است یکی بعد دیگری سست شده و کارهای مرور برده می افتد

راه و تپوه ترفی این است که ما خود را تازه سازیم و عادات خوب را بیاموزیم اگر کار یک سامعانی گیر است من و شما با دو کلمه میتوانیم درس کنیم باید بگوئیم وقت گذشته است این نوع رفتار که خالی از خود خواهی نیست و محصول عادت و رفتار منشی های قدیمی است با هیچ دوری عوض نمی شود برای همه گران تمام می شود

هنگامی که از یکی از این آقایان استدعا میکرد در کار ساده شما شتاب کنند و اولاد برده ننگذارید چنان باد بدماغ باندازد که کوئی خلاق عالم بس

اگر عکس این قبیل اشخاص را در موقوف پرور این داده ها گرفته و با ایشان نشان بدهید خودشان بپیر حله آنان می گیرند مگر چه خبر است؟

عا انید که کمتر دچار این قبیل اشخاص بشوید انسان ار همه چیز بار می افتد اگر تبت نوی طاق باشد آن دیگری ایدا حاضر بیست کار



# اخبار داخل

گزارش‌های نمایندگان اداره

اهواز - ۲۷ آبان

تهیه مقدمات سیم کشی

آقای پرویز رئیس اداره پست و تلگراف و تانم خوزستان برای تهیه مقدمات سیم کشی خط دوم بوشهر از راه بهبهان بوشهر حرکت نمودند و برار اطلاعی که رسیده سیم کشی مزبور از طرف و شهر شروع گردیده است.

اصفهان

توت بر اثر اصابت باماشین

ماتین سواری شماره ۸۷۴۰ تهران که راننده آن حسن آقا نام بود در ۵ کیلومتری سنکر بیانی نام اصابت نموده و فوراً بانی ریاستکتر حرکت داده در بهداری مشغول معالجه میشوند ولی موثر واقع نشده و روز بعد فوت میباید این قضیه مورد بازجویی است.

قزوین - اول آذر

ریز آوار

ساعت ۵ بعد از ظهر دیروز یکشنبه ۳۰ آبان دو اتاق از عمارت دو مرتبه پزشکیان واقع در خیابان سپه قلعه خراب میشود ساکنین اتاقهای مذکور که عبارت از ۷ نفر زن و بچه بودند زیر آوار میمانند و در اثر اقدامات مجذبه مامورین شهر بانی و شهرداری و مخصوصاً یکی از پیش آهنگان در نتیجه سرعت عمل چهار نفر از آنها از سلامت خارج میمانند و دو نفر نیز زخمی میباشند که تحت معالجه هستند فقط یک نفر زن فوتی نماید

شیراز - ۲۵ آبان

وعظ و خطابه

مجلس وعظ و خطابه در مسجد نو همپروژه با حضور عدّه آتیری از طبقات مختلف اهالی تشکیل میگردد و آقای دست قیب در موضوعات اجتماعی برای روشن شدن اذهان اهالی بیانت سودمندی ایراد می نمایند.

انتصاب

آقای محمود سقار بهست ریاست شعبه شرکت پنبه و شرکت حین فارس و همسینی تعیین و در روز قبل بصوب ملوردیت خود حرکت نمودند

ساری - ۲۷ آبان

ورود و حرکت

آقای طلی ریاست استیاف مرکز جهت بازرسی باورات محاکم عدلیه شب ۲۵ و ۲۶ وارد پس از بررسی ادارات محلی امروز صبح بصوب کرکن حرکت نمودند.

مراجعت

آقای کسروی رئیس محارف و اوقاف سازمان ایران که جهت شرکت در جشن افتتاح دبیرستان جدید البتاء بندر بروجرد رفت بودند شب ۲۵ وارد و کماکان مشغول کار شدند.

توبت حیدری

عزیمت بگلشن

آقای دکتر فرانک و همراهانش برای مطالعات زیر زمینی تربت وارد و بطرف گلشن (طیس) عزیمت نمودند

خبرهای قنصلگری شهرستانها

برای جلوگیری از تردد اجناس در اصفهان

اصفهان - اول ذریعہ ۱۳۱۶ - چون اخیراً نرخ مواد دار و سایر اجناس با سرعت زیادی روشتی مبرف شهرداری برای جلوگیری از اجتنای مضبوط نمایندگان اجن شهر داری تشکیل داده و اکنون چند جلسه برای تعیین نرخ ها منعقد گردیده و مشغول تهیه صورت قیمت اجناس میباشند که برای آگهی مردم اعلان کنند.

جشن توزیع گواهی نامه های اکابر

دربار و روجن

بروجن - ۱۶۹۲۱ - از ساعت ۵ نیم تا ۸ نیم در اظرف ۱۶۸۳۰ حشر باشکوهی برای توزیع گواهی نامه های ۵۰۰ روجن در محل دستان دولتی منعقد گردید و بطرف معصلین روزانه خوانده شد. مدیر دبستان طفلی بنی به تشویق بی سوادان و اشتیاق اکابر ایراد گردید سپس گواهی نامه توزیع و سرود شاهنشاهی اطراف معصلین در مقابل جمعیت صفوف ایستاده بخوانده شد و مجلس شام نامی اعلیحضرت هماهنگ شاهنشاهی ختم گردید.

حرکت رئیس شهر بانی حراسان تهران

تهران - ۱۶۸۳۰ - پاسدار نوایی اداره شهر بانی را تحویل داده امروز به سمت تهران رهسپار شدند.

کفرانی در کرمانشاه

کرمانشاه - ۱۶۹۲۱ - شب گذشته در تالار دبیرستان شاهپور کفرانی از طرف آقای علامه وحیدی با حضور ۳۰۰ نفر جمعیت راجع بادیات ایران داده شد.

پرواز هواپیما از فرام خسروی

خسروی - ۱۶۹۲۱ - ساعت ۱۰ صبح یک فروند هواپیما از جنوب غربی شمال غربی خسروی پرواز نمود.

بارندگی نافع در شهرستانها

بوجب غبرهای تلگرافی روز سیام آبان در شیراز و سفری در همین روز اول آذر در بروجرد و کرمانشاه و کنکادر و شیراز باران غلظی باریده و اسباب امیدواری زارمین گردیده است. در نتیجه در شیراز نرخ روغن پایین آمده است.

نوشهر

تشکیل جلسه جهت تاسیس رسد

پیشاهنگی در نوشهر

روز ۲۳ - ۸ - دعوی اداره معارف نوشهر اعلام آنرا بآن محترمین و مستمدین محل بصل آورده در ساعت ۵ بعد از ظهر در محل اداره معارف با حضور آقای محمد کبوتر بخش دار آجور جلسه رسمی تشکیل بدو اسامی ۳ کاهسو کند و ادواری و دوازده نفر پیشاهنگی و وظائف هیئت مدیره از طرف آقای نماینده معارف توضیح داده شد سپس صورت مجلسی باضای آقایان اعضاء هیئت مدیره برای اجازه تاسیس رسد پیشاهنگی رسیده که برای تصویب و اجازه تشکیل آن بر مرکز فرستاده شود

برای دفع خستگی

## مسابقه نو

یکصد ریال پاداش ماهیانه

قابل دست!

بزاز - آقای محمد زار استعدا می کنم و جهان سند را مرحمت کنید! آخو بلدار - چون یکماه از تاریخ این سند میگذرد قابل پرداخت نیست! بزاز - آنا بنده بواسطه اکثر مشغله نتوانستم خدمت برسم و از این وجه آن قابل نبود

تحویلدار - حال که خودتان تصدیق میکنید که قابل نیست پس مطالبه لازم نیست!

نوشهر - عباس آذری

نوکر ابله

ارباب - علی رو یک درشکه صدا کن

میخواهم تا خیابای ماعتین بروم

نوکر بدال مدتی درشکه ای را حاضر کرده

ارباب - سر چرا اینقدر دیر آمدی

- خوشم ازان تمام کنم

- بطور ازان تمام بکنی

- چون ترسیم خیابان ماشین را بلد باشد

باین واسطه سوار شدم و او را با خودم مردم که خیابان را یاد بگیرد و الا تا فردا پیدا نمیکرد.

ناصر عطائی

## جدول

اسامی حل کنندگان صحیح شهرستانها

زنجبار - غلامرضا برزگر - حسین امین

مهراب وردگر

ساری - جواد جواد

سبزوار - محمد علی موقی - محمد

اصمعیل موقی - ۱۰ فرمی - ۱۰ حق

سمنان - رضوان وثیقی - عظیم و کیلی

سنندج - مزبزه منصور - داود صادقی

شاه آباد - سابر ابراهیمی

شاهرود - حبیب الله ضیائی

شهرسوار - ضیاءالدین نواب

شیراز - علی اکبر یضائی - جعفر

مختاری

عراق - علی اصغر خان بلوکی

قاین - حسین افروغی

کرمانشاه - امین الله روان بخش

چهار موبد زاده - اردشیر واتق - شمس الدین

مرعشی - کهن - عباس نیکومتش - محمد علی

محمودی - خانم شکوه ابوالعالمی - فتح امیری

ستوان دوم امیرز پناه - مهدی مقتنی - موشه

بانارال - حید مصطفی جباری - نصر الله قربشی

فروغ السادات روان بخش - سید محمد نبوی

عبدالمجید چایچیان - صادق مینائی - هزیر الله

نیزایی - سید محمود کنجوری - صادم السدین

دولت شاهی - فریدون رؤف - ربه سیم

کرمان - مهدی باقری - رسول باقری

بتول باقری - ب باقری - اسد الله باقری - م ی

باقری - منوچهر باقری - مجید باقری - حجت

الله باقری - اسد الله منصور - ر باقری - اق

فرنگیس شاهیری

کلیابکان - فضل الله دهرائی

مسابقه تازه

## ۱۵۰ ریال پاداش هفتگی

جدول ذیل داخل کرده ضمیمه (شش شاهی) بنویسند این جدول را جمعه ۵ آذر

دری چاپ میشود:

پاداش: برای این جدول (۱۰۰ ریال) به حل کنندگان صحیح در شهرستانها (۵۰ ریال)

به حل کنندگان صحیح در تهران حکم فرجه پاداش داده میشود.

اسامی کسانی که جدولشان غلط حل شده یا تمیز نیست ضمیمه نداشته باشد در فرجه وارد نمیشود.

اسامی ۲۰۰ نفر کسانی که جدولشان صحیح حل شده و زودتر بفرستند علاوه اسامی حل کنندگان صحیح شهرستانها چاپ میشود - عکس بردارندگان پاداش نیز چاپ خواهد شد.

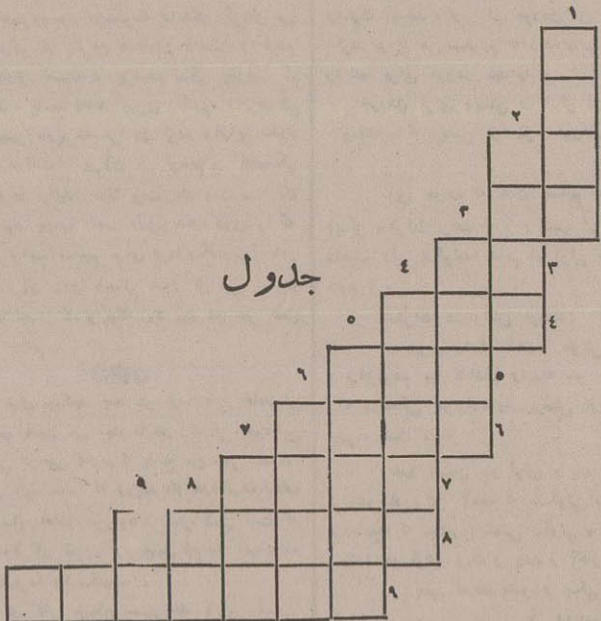
برنده مختار است در مقابل یکصد ریال یک سال اطلاعات عصر و در مقابل پنجاه ریال

یک سال اطلاعات صبح را مشترک شود یا وجه نقد بگیرد.

تا تاریخ پنجشنبه ۲۵ آذر این جدول پذیرفته میشود و نتیجه فرجه کشی در تاریخ جمعه ۳ دی ماه

اطلاع داده خواهد شد.

فراموش نکنید روی پاکتها بنویسید (جدول ر)



عمودی

۱ - این کلمه را در این شعر بیابید: اینک روزی بانوکل میرسد الماسه است - پنبه گوشش کلید رزق را دهنده است ۲ - از متعلقات زمین ۳ - کمی از ساقی بالانز نرسیده بران ۴ - آلودگی ۵ - ظاهر که مار ندارد ولسی اصلش را بخواهی تندوستی ندارد ۶ - از آن سرور و ازین سو دور ۷ - برادر تب ۸ - ضمیر اشاره ۹ - علامت جسم در فارسی ۱۰ -

افقی:

۱ - طلا ۲ - سر حلسه اعداد ۳ - حرص وطمع ۴ - میوه ۵ - اجازه ۶ - نوبت ۷ - محمود و چند معنی دیگر هم دارد ۸ - خالص ۹ - بگانه ۱۰ - دارائی خوبی است خدا نصیب کند ۱۱ - رفیق راه ۱۲ - بیخود نگرددت کن الان آنرا می بینی

|                                        |                                          |
|----------------------------------------|------------------------------------------|
| مرغی - محسن آذری                       | لاهیجان - نعمت الله مسودی غرسند          |
| مها آباد - مناف کریمی - حیدر زیری      | هاگو - جمیل تیموری - ۵ کتر همايون        |
| محمد فاضی                              | مجلدی ۱۰                                 |
| نیشابور - حسین عوفی                    | هشبد - عفت بزشکی - مهدی لیوی             |
| همدان - م. لادی - میر حسن فخمی         | جها تباب شهیدی - ابراهیم کیمی - علی اصغر |
| ابراهیم الفت - نیم السدین مرعشی - خلیل | غراب فهادی - صادق غسانی زاده - نوسف      |
| صدیق ارشادی                            | ابراهیم امین رسائل - داود لو لویی - محسن |
| یزد - مهدی ضیائی اردگانی - عدالت       | چلوید ۱۰                                 |
| محمد ضیائی                             | ملایر - عبدالله جهانگیری                 |

نقشه بود که بناچار بایستی آنرا شخصاً اجرا کند بدون اینکه رولاند از آن آگاه شود. علامت سکون و آراش از قیافه او هویدا بود و حوالی که آتش در نهاد او زبانه می کشید و همبطور حرکت میکرد تا نزدیک مجلس رسید که با حروف درشت روی آن نوشته بودند: «میخانه لشکر که طلایی» در آنجا برانیت پرداخت دید درسته است ولیکن نور چراغ از خلال شکاف دو نمایان بود با خود گفت ناچار مشقهای میخانه هنوز متفرق نشده اند و با انتظار ایستاد. البته خوانندگان بخاطر دلزدگی که این میخانه دو مرتبه است یکی از آنها به تالار کم مرعی بلژی شد سکالاریو نیم ساعتی را در آنجا با انتظار ایستاد، سپس دید که در میخانه بلزده و دو نفر از آنجا بیرون آمدند سکالاریو یکی آن دو نفر را شناخت که در تالار صاحب میخانه بود ولی شخص دوم که خود را به بالا پرستی پیچیده بودند شناخت. هر دو از دو بیرون آمده هر راپاز گذاشته و چشم قفسی بهم رفت و مثل این بود که مشغول انجام چیزی با هم هستند. سکالاریو فرست را غیبت دانسته و از روی که باز آمده بود وارد میخانه گردید و در تالار عمومی میخانه روی یک مسندلی با انتظار نشست. سکالاریو با هولینجا با انتظار میکلاریم میرویم دنبال (بروتو) صاحب میخانه و آن شخصی که با او همراه بوده است برای اینکه سر رشته مطلب را بدست بدهیم یک ساعت پیش از سکالاریو باین میخانه وارد می شویم می بینیم شخصی وارد میخانه شد و مانند مشتری دیگر این محل که گویا مدتهاست باین میخانه رفت و آمد داشته باشد نزدیک پسری

نقشه بود که بناچار بایستی آنرا شخصاً اجرا کند بدون اینکه رولاند از آن آگاه شود.

علامت سکون و آراش از قیافه او هویدا بود و حوالی که آتش در نهاد او زبانه می کشید و همبطور حرکت میکرد تا نزدیک مجلس رسید که با حروف درشت روی آن نوشته بودند: «میخانه لشکر که طلایی» در آنجا برانیت پرداخت دید درسته است ولیکن نور چراغ از خلال شکاف دو نمایان بود با خود گفت ناچار مشقهای میخانه هنوز متفرق نشده اند و با انتظار ایستاد.

البته خوانندگان بخاطر دلزدگی که این میخانه دو مرتبه است یکی از آنها به تالار کم مرعی بلژی شد سکالاریو نیم ساعتی را در آنجا با انتظار ایستاد، سپس دید که در میخانه بلزده و دو نفر از آنجا بیرون آمدند سکالاریو یکی آن دو نفر را شناخت که در تالار صاحب میخانه بود ولی شخص دوم که خود را به بالا پرستی پیچیده بودند شناخت.

هر دو از دو بیرون آمده هر راپاز گذاشته و چشم قفسی بهم رفت و مثل این بود که مشغول انجام چیزی با هم هستند.

سکالاریو فرست را غیبت دانسته و از روی که باز آمده بود وارد میخانه گردید و در تالار عمومی میخانه روی یک مسندلی با انتظار نشست.

سکالاریو با هولینجا با انتظار میکلاریم میرویم دنبال (بروتو) صاحب میخانه و آن شخصی که با او همراه بوده است برای اینکه سر رشته مطلب را بدست بدهیم یک ساعت پیش از سکالاریو باین میخانه وارد می شویم می بینیم شخصی وارد میخانه شد و مانند مشتری دیگر این محل که گویا مدتهاست باین میخانه رفت و آمد داشته باشد نزدیک پسری

نقشه بود که بناچار بایستی آنرا شخصاً اجرا کند بدون اینکه رولاند از آن آگاه شود.

علامت سکون و آراش از قیافه او هویدا بود و حوالی که آتش در نهاد او زبانه می کشید و همبطور حرکت میکرد تا نزدیک مجلس رسید که با حروف درشت روی آن نوشته بودند: «میخانه لشکر که طلایی» در آنجا برانیت پرداخت دید درسته است ولیکن نور چراغ از خلال شکاف دو نمایان بود با خود گفت ناچار مشقهای میخانه هنوز متفرق نشده اند و با انتظار ایستاد.

البته خوانندگان بخاطر دلزدگی که این میخانه دو مرتبه است یکی از آنها به تالار کم مرعی بلژی شد سکالاریو نیم ساعتی را در آنجا با انتظار ایستاد، سپس دید که در میخانه بلزده و دو نفر از آنجا بیرون آمدند سکالاریو یکی آن دو نفر را شناخت که در تالار صاحب میخانه بود ولی شخص دوم که خود را به بالا پرستی پیچیده بودند شناخت.

هر دو از دو بیرون آمده هر راپاز گذاشته و چشم قفسی بهم رفت و مثل این بود که مشغول انجام چیزی با هم هستند.

سکالاریو فرست را غیبت دانسته و از روی که باز آمده بود وارد میخانه گردید و در تالار عمومی میخانه روی یک مسندلی با انتظار نشست.

سکالاریو با هولینجا با انتظار میکلاریم میرویم دنبال (بروتو) صاحب میخانه و آن شخصی که با او همراه بوده است برای اینکه سر رشته مطلب را بدست بدهیم یک ساعت پیش از سکالاریو باین میخانه وارد می شویم می بینیم شخصی وارد میخانه شد و مانند مشتری دیگر این محل که گویا مدتهاست باین میخانه رفت و آمد داشته باشد نزدیک پسری

نقشه بود که بناچار بایستی آنرا شخصاً اجرا کند بدون اینکه رولاند از آن آگاه شود.

علامت سکون و آراش از قیافه او هویدا بود و حوالی که آتش در نهاد او زبانه می کشید و همبطور حرکت میکرد تا نزدیک مجلس رسید که با حروف درشت روی آن نوشته بودند: «میخانه لشکر که طلایی» در آنجا برانیت پرداخت دید درسته است ولیکن نور چراغ از خلال شکاف دو نمایان بود با خود گفت ناچار مشقهای میخانه هنوز متفرق نشده اند و با انتظار ایستاد.

البته خوانندگان بخاطر دلزدگی که این میخانه دو مرتبه است یکی از آنها به تالار کم مرعی بلژی شد سکالاریو نیم ساعتی را در آنجا با انتظار ایستاد، سپس دید که در میخانه بلزده و دو نفر از آنجا بیرون آمدند سکالاریو یکی آن دو نفر را شناخت که در تالار صاحب میخانه بود ولی شخص دوم که خود را به بالا پرستی پیچیده بودند شناخت.

هر دو از دو بیرون آمده هر راپاز گذاشته و چشم قفسی بهم رفت و مثل این بود که مشغول انجام چیزی با هم هستند.

سکالاریو فرست را غیبت دانسته و از روی که باز آمده بود وارد میخانه گردید و در تالار عمومی میخانه روی یک مسندلی با انتظار نشست.

سکالاریو با هولینجا با انتظار میکلاریم میرویم دنبال (بروتو) صاحب میخانه و آن شخصی که با او همراه بوده است برای اینکه سر رشته مطلب را بدست بدهیم یک ساعت پیش از سکالاریو باین میخانه وارد می شویم می بینیم شخصی وارد میخانه شد و مانند مشتری دیگر این محل که گویا مدتهاست باین میخانه رفت و آمد داشته باشد نزدیک پسری

نقشه بود که بناچار بایستی آنرا شخصاً اجرا کند بدون اینکه رولاند از آن آگاه شود.

علامت سکون و آراش از قیافه او هویدا بود و حوالی که آتش در نهاد او زبانه می کشید و همبطور حرکت میکرد تا نزدیک مجلس رسید که با حروف درشت روی آن نوشته بودند: «میخانه لشکر که طلایی» در آنجا برانیت پرداخت دید درسته است ولیکن نور چراغ از خلال شکاف دو نمایان بود با خود گفت ناچار مشقهای میخانه هنوز متفرق نشده اند و با انتظار ایستاد.

البته خوانندگان بخاطر دلزدگی که این میخانه دو مرتبه است یکی از آنها به تالار کم مرعی بلژی شد سکالاریو نیم ساعتی را در آنجا با انتظار ایستاد، سپس دید که در میخانه بلزده و دو نفر از آنجا بیرون آمدند سکالاریو یکی آن دو نفر را شناخت که در تالار صاحب میخانه بود ولی شخص دوم که خود را به بالا پرستی پیچیده بودند شناخت.

هر دو از دو بیرون آمده هر راپاز گذاشته و چشم قفسی بهم رفت و مثل این بود که مشغول انجام چیزی با هم هستند.

سکالاریو فرست را غیبت دانسته و از روی که باز آمده بود وارد میخانه گردید و در تالار عمومی میخانه روی یک مسندلی با انتظار نشست.

سکالاریو با هولینجا با انتظار میکلاریم میرویم دنبال (بروتو) صاحب میخانه و آن شخصی که با او همراه بوده است برای اینکه سر رشته مطلب را بدست بدهیم یک ساعت پیش از سکالاریو باین میخانه وارد می شویم می بینیم شخصی وارد میخانه شد و مانند مشتری دیگر این محل که گویا مدتهاست باین میخانه رفت و آمد داشته باشد نزدیک پسری



اعلامیه ( دوک کبز ) بیشتر از آنست  
قابل توجه می باشد ( کنت پاریس ) سر مشارالیه  
هم اخیراً بطرف سویس عازم شده است .



## اشک ستارگان

اهمیت ستارگان سینما در روزنامه‌های آمریکا - مهمترین خبرها برای يك روزنامه آمریکایی انتشار جزئیات زندگی ستارگان است

چرا ستارگان زود طلاق میگیرند؟

شیکاگو در صبح دوم چپا خواهد رسید و صبح اول مخصوص ستارگان سینماست. (وینچستر) در یکی از مهمانیها (رکس لیز) دعوا کرده و چشم ستاره موبور زولیده در اثر مشت کس کبود شد. فردا در صبح اول روزنامه‌ها با حرف درشت نوشتند:

**شب گذشته در یکی از مهمانیهای ستارگان کی از اکثر ستاره‌ها درجه اول کت مفصلی خورد ضارب دستگیر شده است.**

در آمریکا هیچکس بسط کایتیه فراس، یا انگلستان اهمیت نمیدهد. اما وقتی که چشم یکی از ستارگان در زیرمهای طلاییش کبود شود، روزنامه‌ها در میزنند. (وینچستر) در صورتی که این خبر اهمیت ندارد و از کارهای معمولی است وقتی که با اطلاع میدانیم که یکی از دوستان ما بلانی وارد شده و با دزدی هنگامی اتفاق افتاده است، با عجلای زیادی اولین روزنامه‌ای را که حاوی چنین خبری باشد میخریم، چه با شخصی که مورد یکی از بلیه‌های آسمانی و یا زمینی واقع شده است دوستی داریم و بیزنس کانی او علاقه مندیم.

در آمریکا هم هر کسی ستارگان را اگر خوبشانود خودشانده، لا اقل آشنای خودمیدانند با اینکه میخواهند از جزئیات زندگی آنان نیز اطلاع حاصل کنند. البته همین واسطه است که خبر نگاران سراغ ستارگان میروند و تا یک خبر کوچکی در اطراف زندگانی خصوصی اکثرها و یا اکتربسته بدست میاورند بان شاخ و برگ قراردادها و شش‌تون را با آن برمیکنند و بقیه داشته باشید اگر در يك روزنامه چندی هم این خبرها چاپ شود، مردم با حرص و ولع زیادی آنرا بلمینمایند.

بگرو صبح در «بریکه‌است کلوب» که یکی از موسسات عجیب لوس آنجلس است برای صرف صبحانه با باقی هشتصد نفر دیگر دعوت داشتیم. روزهای چهارشنبه ساعت هفت صبح هشتصد نفر زن و مرد برای صرف صبحانه در این محل دعوت میشوند و در ضمن نوشیدن يك فنجان شیر قهوه بنظفهای روسا کوش فرا میدهند. در موقع خروج از این کلوب با یکی از وکلای بزرگ عدلیه هالیوود که در وقایع طلاق آن شهر تخصص داشت، آشنا شدم، وی راجع طلاق ستارگان چنین عقیده داشت:

و در این شهر بدو دلیل طلاق زیاد داده می‌شود اولاً برای این که بهمان آسانیکه ورق بازی می‌کنند ازدواج مینمایند و در عرض هائیه از یکدیگر جدا می‌شوند تا بیا چون ازدواج بهترین وسیله برای اتحاد دو هنر پیشه (آرتیست) می‌باشد و همین جهت ممکن است کثرت‌های مفیدی با آن‌ها متعقد نمود علاوه بر این‌ها ممکن است مرد گمانی با ستاره شهری (یا برعکس) ازدواج کند برای این که از شهرت و احترام خود همسر خود را بشود. غالب هنر پیشگان آرتیست‌ها با اینکه ازدواج مینمایند که مدت شش ماه یا یکسال صداقت خود را تأمین کنند البته بعضی‌ها هم برای ایجاد صمیمیت و زد کانی فیزیکی بان‌ها حیاتی اقدام مینمایند، اما در اثر زیادی کار منظور اصلی خود را بزودی فراموش می‌کنند و در شش‌تون‌ها را از هم جدا می‌سازند و نام خوش حتی آنان می‌کرد.

تجسین و تمجید بیحد و حصر تماشاچیان باد در آستین آن‌ها می‌اندازد و همین علت است که غالب ستارگان اشخاص حساس، رود رنج، مفرور و عصیانی میشوند خلاصه آن که شهرت تعادل را از بین میبرد... وضعیت زندگی يك ستاره شوهر دار را در نظر مجسم کنید که برای برداشتن فیلم در فضای آزاد باز پرس و درستی‌ها می‌نماید مدت سه هفته در صحنه‌های اسرار آمیز کوه‌های «روشنوز» یا «بودا» بسر میبرد. و اما شما در آن‌ها روحی پر نور و تابش معذب و طبع حساس ایجاد شمع و مسرت افسانه آمیزی مینمایند. «همان‌ها» فیلم در چادرهای مخصوص استراحت میکنند و کمانی که باید هنگام فیلم برداری رد و بدل نمایند ریسمون (تکرار) میکنند. در آن‌ها همین واقعه زندگانی فیزیکی ستاره مباران میشود. از طرف دیگر در همان وقت، شوهر همین ستاره - دیگر باید بیوه‌اش خواند، در استودیو برافه زیبایی برمی

روزیکه «کوریلا امولسون» از «هاری وود» طلاق گرفت بروز نامه نگاران اظهار حسد:

«هوای هالیوود پتاهلین سازگار نیست. مادر کی عزیز، شما حق دارید که طلاق دادید و زجر نکشانند و در آن جریان‌ها هوای که بین شماست و بکا و «لوس آنجلس» برقرار است زنک میرسد. در هالیوود زن و شوهر در نفس‌های ششیه‌ی سر میبرند در محیط ستارگان شوهران مانند حیوانات ذوق‌ناشنای بومی هستند که در غره‌های باغ وحش‌ها نمایش داده میشوند تماشاچیان با کنج‌کاری زیادی بان‌ها نظر می‌افکنند و حدس می‌زدند که بیرون آنان مدت زیادی دوام پیدا کند.

هالیوود دغلیز وسیعی است که ده‌ها نفر برای بدست آوردن صد شغل بر گزیده انتظار میکنند و راجی می‌کنند. این صد نفر هم که با متاهل و با مجرد هستند دائماً صدمه می‌بینند، یکدیگر فحش می‌دهند، دعوا می‌کنند، نفر می‌نمایند، آشتی می‌کنند و آن‌ها صد هزار نفری برای آنکه خیلی هم بیکار نمانند در دالان تعداد آنک کارها، بوسه‌ها و آ‌ها را میشمارند. زندگانی ستارگان سینما مانند يك باغ ملی محل تفریح عمومی است. همه کس بنوبه خود در آن دخل و تصرف میکند، رئیس شعبه آ‌های و تبلیغات ز هیچ چیزی فرو گذر نمیکنند.

یکشنبه هنگامی که بولوار هالیوود مشغول اندم زدن بودم، چشمم يك نفر روزنامه فروش افتد. که روزنامه «اکزپریس» در دست داشت. صبحه اول این روزنامه با حرف درشت در همت ستون مطالبی را منتشر کرده بود. من تصور کردم حادثه عجیبی اتفاق افتاده و یا چنگ بین الملل شروع شده است، با عجله يك شماره از آن روزنامه را خریدم، وقتی نگاه کردم ندیدم نوشته است:

**«کلارابو» منشی خود را جواب کرده است** در ستون اول روزنامه اختصاص یافته بود اشکالانی که کلارابو برای بیرون کردن خانم «دیزی دوو» ترشیده بود ولی علت واقعی امر این بود که مجرب جدید خانم کلارا از منشی‌یش می‌آمد.

بیکار دیگر بمن ثابت شد که وقایع شب‌های هالیوود حوادث ناگواری که برای ستارگان رخ میدهد بهترین موضوع برای مقاله نویسی بدست روزنامه نگاران آمریکایی میدهد. يك شب دیگر در ضیافت یکی از ستارگان، خانم آ‌گنریس مشهوری چهارمین شوهر خود را بمن معرفی کرد.

مراسم ازدواج در نیویورک بعمل آمده بود و شاهزاده خوشبخت خانم خود را هالیوود آورده و مجلس جشنی بمناسبت ورود آنان تشکیل شده بود. در حین ادای مراسم معرفی، یکی از آ‌گنریس‌های زیر دست که نامش در آمریکا ورد ژبانه‌ست شاهزاده خوشبخت نزدیک شد و میکاری بوی تعارف نمود.

پرس موقعی که میخواست سیکارا از دست آ‌گنریس بگیرد، چشش بقوی سیکار طلانی که در دست وی بود میافتد و از حروف اول اسم که در يك طرف با مرارید و در کوه دیگر تاریختی زیاد داشت شده بود متعجب شده و فریاد زد:

«چطورا... شاهم...»  
آ‌گنریس ملتفت قضیه شد و در حالی که دست خود را دوستانه روی شانه پرس قرار داد باو گفت:

«رفیق آ‌گنریس... من شوهر او لیس بودم و البته مساندگی با هم سبت داریم.»

در هالیوود هیچ چیزی ماندازه جزئیات زندگی ستارگان برای مردم خوش آیند نیست. در هالیوود پنجاه روز از ملالت خاطر «کول‌مور» و «جون ماک کوریک» صحبت میدارند در خصوص اشک‌های «بیلی دوو» روزنامه‌ها با حرف بقطر ده سانتیمتر چیز می‌نویسند. جبر میدهد هنگام تهیه فیلم «سان عشق» در منزل ژرژ سور آن «درست و سچ» روشن آید شده است. (نیسا با سکت) قصد خود کشی دارد. گودی خبرهای مهم برلین و گزارشهای چندی

## نیازمندیها

اجاره داده میشود

یک دستگاه عمارت واقع در میدان سیه فوق‌العاده شرف سکاری نام و آب‌وهوای مناسبی برای موسسه و تجارتخانه به اجاره واگذار میشود. طالبین به سیکار فروشی حیابان شاه آ‌اه جنب کافه بین‌المللی رجوع کنند.

۱- باب حیاط شهر مساحت ۸۰۰ متر مربع دارای ۵ اتاق باضمم ریززمین و آشپزخانه و کاه، واقع در بیرون دروازه میران جنب منطقه ۲ ارتفاعی ۴۰۰ ریال با اجاره داده میشود. طالبین دفتر روزانه اطلاعات مراجعه نمایند.

۲- اوایل حیابان فردوسی جنب اداره بیون عالی تمیز محس سابق به کلمات کل ارتش دارای ۱۸

اتاق و سالون بزرگ دزیر زمین‌های متعدد اجاره داده میشود. طالبین تلفون ۴۹۶۹ رجوع نمایند.

۳- طبقه فوقانی يك عمارت نوساز به دارای هفت اتاق مسکونی و حمام و يك اتاق برای نوکر میباشد و در وسط یک قطعه ۳ هزار متری که آب جاری دارد واقع است با جاره داده میشود. مال‌الاجاره ماهی هشتصد ریال. طالبین دفتر اطلاعات روزنامه اطلاعات یا به تلفن نمرة ۸۲۱۰ مراجعه فرمایند.

استخدام میشود

۱- برای يك خانواده ایرانی جوان و با کلفت جوانی که از عهده پیش خدمتی برآید مورد احتیاج است. دارطالین دفتر روزنامه اطلاعات مراجعه نمایند.

در جستجوی کار

۱- یک نفر ایرانی که انگلیسی را در هند تکمیل تحصیل نموده جویای کار است و با حقوق مناسب مشغول می‌شود. طالبین دفتر اطلاعات مراجعه نمایند.

۲- یک نفر متخصص در صابون سازی که یران انگلیسی و فارسی و عربی آشنا و فن صابون سازی را عملاً فرا گرفته برای این شغل حاضر است. طالبین دفتر روزنامه اطلاعات مراجعه فرمایند.

۳- جوانی که تحصیلاتش در حدود شش متوسطه میباشد جویای شغل مناسبی در موسسات ملی و شرکت‌ها است. طالبین دفتر روزنامه اطلاعات مراجعه فرمایند.

فروخته میشود

۱- محلی است بین قزوین و رشت واقع در جاده شوسه قرب صد خانوار ذراع و ساکنین آنرا تشکیل دارای چندین مزارع از رود و چشمه سارها مشروب محصول مال‌کانه اش بطور متوسط در حدود یکصد خروازگله گشت و زرع فعلی آن‌ها نوع صیفی‌کاری از قبیل پنبه و دانه‌های دیگر و به علاوه انواع زراعت‌های گرمسیری در آنجا گشت میشود برای فروش حاضر طالبین با مراجعه دفتر اطلاعات از سایر خصوصیات و اوضاع فلاحی آن آگاه خواهند شد.

بول جهت معاملات شرطی حاضر است

۱- شصت هزار ریال ۲- چهل هزار ریال ۳- سی هزار ریال ۴- بیست هزار ریال با سود پانزده دینار (سه شاهی) یک هفته در هزار و هشتصد ریال با سود بیست دینار در مقابل خانه و مستغلات شهری ثبت شده برای معاملات شرطی مستغلات و خانه‌هایی که واقع در حیابان‌های ناصر خسرو - خیام (جلیل‌آباد سابق) بوذرجمهری - ارک - خیابان سیه باشد بهر مقدار با سود پانزده دینار (سه شاهی) حاضر است برای وضیحات دیگر باورده مالکیت رجوع فرمایند به: موسسه کار کشانی اوشان لا‌ازار کوچ‌سهم‌الدوله

## متری ده ریال

خوب ارزن مخصوص قشقه برداری

و مهندسی

کاغذ کالک پارچه

بازر این الملک تجارتخانه مردانش تلفن ۵۳۲۱ شماره آ‌های ۵۵۹۲ ۵-۸

حور و شیشه جمل و شهرت او میشود. اسان مانند فرشتگان پاک و معصوم نیست. و این برای ما بزرگترین خوشبختی است، زیرا اگر شادو مردم مرتکب انان شوند، دکان و لای عدیه نمته میشود.

چنانکه ملاظاً گردید ستارگان موجودات کاملاً شاد و شادمان نیستند و کاهر رعکس آنچه که شما میشوند، مردمان مدحی محسوب میشوند و از بیچارگی خود میل آرند سر میدهند، اما به‌الآن آ‌ریه‌هایی که شما دریغ می‌نمایید، زیرا آن‌ها کاهر کاهرین است.

## آگهی

اشیاء مشروحه ذیل:

|                                |          |         |         |
|--------------------------------|----------|---------|---------|
| فالی مشك آبادی زمینه سرمه كهنه | طول ۷۲۲۵ | مطر ۴۹۰ | عرض ۴۹۰ |
| « عراقی                        | « ۴۸۰    | « ۴۲۰   | « ۴۲۰   |
| « كهنه                         | « ۶۰۰    | « ۲۴۰   | « ۲۴۰   |
| « بختیاری                      | « ۶۰۰    | « ۲۴۰   | « ۲۴۰   |
| « عراقی مستعمل                 | « ۷۲۵    | « ۴۹۰   | « ۴۹۰   |
| « شوشنر                        | « ۷۲۵    | « ۴۹۰   | « ۴۹۰   |

قابلیت ریشمی کاشانی

۲ تخته

۱۰ کشتی برلین

ماشین تحریر مستعمل

در یوم دوشنبه ۸ آذر ماه ۱۳۱۶ دو ساعت بعد از ظهر در محل ساختمان عمارت عدلیه بطور مزده هروس خواهد رسید طالبین میتوانند در ساعت معینه در محل مزبور حضور بهم رسانند و در خرید شرکت نمایند.

شماره آ‌های ۴۹۹۳ ۲-۲ لکيل اداره حسابداری و دارتدلیه - محمود موم

## آگهی رسمی

شرکت حمل و نقل خراجان با مسئولیت محدود که در تاریخ بیستم دی‌ماه ۱۳۱۵ شماره ۶۳۸ در دفتر ثبت شرکت‌های داخلی ثبت رسیده است در نتیجه رضایت عموم شرکاء منحل گردیده و کلیه فروش شرکت به‌عهده آقای اسدالله‌لاجوردی میباشد.

تهران مورخه اول آذرماه ۱۳۱۶ رئیس دایره ثبت شرکتها و علائم تجاری و اختراعات شماره آ‌های ۵۰۱۴

## آگهی رسمی

طبق نامه شماره ۱۲۲ مورخه ۲۸ مهرماه ۱۳۱۶ که از شرکت سهامی رسیباف هم رسیده است کلیه اسناد و تعهدات مربوطه شرکت را بایستی دولتر از آقایان عبدالحسین میکیور علی فیضیه و واحد اخوان متفقا امضاء نمایند.

تهران مورخه اول آذرماه ۱۳۱۶ رئیس دایره ثبت شرکتها و علائم تجاری و اختراعات شماره آ‌های ۵۰۱۵ محمد احسانی

## آگهی

شبه فروش اسباب‌بازی‌های فرد کازاما واقع در خیابان چراغ برق اسباب‌بازی‌های نو (محصولات فرد) وارد نموده و از روز دوشنبه اول آذرماه ۱۶ شروع فروش نموده است. از طرفی شرکت سهامی تجارتی کازاما محدود شماره آ‌های ۴۹۶۷ ۵-۲

## آگهی مناقصه

اداره کار بره‌ای کل‌مالیه کرایه‌محل تقریباً ۵ تن باروا که يك دستگاه کامل موتور برق محتوی ۱۵ صندوق با یکد تقریبی ۱۵۰۰ متر میباشد از کرک بابل‌سر تا کرک نهرز صنایع میکندارد. داوطلبان معامله پیشنهاد خودشان را تا روز ۱ شنبه ۲۹ آذرماه ۱۳۱۶ بدتر این اداره تسلیم و رسید دیوانت دارند پیشنهادات واصله روز ۲ شنبه ۲۹ آذرماه جاری ۲ ساعت قبل از ظهر در دایره تهیه و خرید این اداره قرائت خواهد شد. حضور پیشنهاد دهندگان در کسبون مناقصه آزاد و اجازه ورود و قبول هر یک از پیشنهادها مختار خواهد بود. شماره آ‌های ۵۰۲۸ رئیس اداره کار پردازی کل‌مالیه - فروغان

## آگهی مناقصه

انحصار دخانیات ایران مبادل پنجاه میلیون باحدول ۶۰×۱۶ میلیتر طبق نقشه ای که در کار پردازی این موسسه موجود است روی کاغذ پنجاه رطلی چهار ورقی آلمانی بنافصه میکندارد اشخاصی که مایل بشرکت در این مناقصه می‌باشند پیشنهادات خود را باید اینک کاعد به‌عهده اداره است یا خودشان می‌دهند در یا کت سرست ۱۵ و مهر شده تا دوازدهم آذرماه ۱۳۱۶ با اداره دفتر تسلیم و رسید دریافت دارند.

پیشنهاد دهندگان بایستی متعهد شوند باحدول پیشنهادی‌ها در چهار نوبت که هر نوبت ۱۵ روز باشد از تاریخ ستن قرار داد تحویل نمایند. پیشنهاد دهندنده بایستی صدی دو بهاء پیشنهادی را بنون سیرده بصندوق این اداره تحویل و قبض آنرا بپوست پیشنهاد خود نمایند تا چنانچه حائز حداقل از ستن قرار داد امتناع ورزید مبلغ سیرده بسود دولت پایگانی شود. پیشنهادات واصله در روز ۱۳ آذر ساعت ده صبح باز و قرائت خواهد شد حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه مناقصه آزاد و اجازه در رد و قبول يك پایگانه پیشنهادات مختار است.

شماره آ‌های ۵۰۳۴ انحصار دخانیات ایران

## بهای اشتراك روزنامه واعلانات

| شماره عصر                               | شماره صبح                               | شماره عصر                               | شماره صبح                               |
|-----------------------------------------|-----------------------------------------|-----------------------------------------|-----------------------------------------|
| تهران و ولات ۱۲ ماه ۶۰ ریال             | تهران و ولات ۱۲ ماه ۶۰ ریال             | تهران و ولات ۱۲ ماه ۶۰ ریال             | تهران و ولات ۱۲ ماه ۶۰ ریال             |
| خارج ۱۰۰                                | خارج ۱۰۰                                | خارج ۱۰۰                                | خارج ۱۰۰                                |
| تهران ۱۲ ماه ۱۲۰ ریال                   | تهران ۱۲ ماه ۱۲۰ ریال                   | تهران ۱۲ ماه ۱۲۰ ریال                   | تهران ۱۲ ماه ۱۲۰ ریال                   |
| ولایات ۱۴۰                              | ولایات ۱۴۰                              | ولایات ۱۴۰                              | ولایات ۱۴۰                              |
| خارج ۲۰۰                                | خارج ۲۰۰                                | خارج ۲۰۰                                | خارج ۲۰۰                                |
| بهای اعلانات                            | بهای اعلانات                            | بهای اعلانات                            | بهای اعلانات                            |
| صافه اول مسری ۴ ریال                    | صافه اول مسری ۴ ریال                    | صافه اول مسری ۴ ریال                    | صافه اول مسری ۴ ریال                    |
| دوم ۳                                   | دوم ۳                                   | دوم ۳                                   | دوم ۳                                   |
| سوم ۲                                   | سوم ۲                                   | سوم ۲                                   | سوم ۲                                   |
| چهارم ۱                                 | چهارم ۱                                 | چهارم ۱                                 | چهارم ۱                                 |
| برای اعلانات مکرر دفتر اداره مراجعه شود | برای اعلانات مکرر دفتر اداره مراجعه شود | برای اعلانات مکرر دفتر اداره مراجعه شود | برای اعلانات مکرر دفتر اداره مراجعه شود |

شرکت سهامی چاپ